



نامه‌نگاری برای بحران کاغذ

هیأت‌مدیره مجمع ناشران انقلاب اسلامی در نامه‌ای به حسن روحانی، رئیس‌جمهوری درباره کاغذ نوشت: بی‌اعتنایی به تولید داخلی کاغذ و تخصیص نیاقتن ارز برای واردات، صنعت نشر را به ورشکستگی رسانده است. این نامه در پی کمبود چشمگیر کاغذ کتاب و مطبوعات در بازار و نیز روند صعودی قیمت کاغذ در همین ماه‌های ابتدایی سال نوشته شده است. کمی قبل معاون مطبوعاتی ارشاد هم در این باره به رئیس‌جمهوری نامه نوشته بود.

فراخوان دوسالانه «جایزه شهید همدانی» منتشر شد

دبیر اجرایی «جایزه شهید حاج حسین همدانی» از برگزاری دومین دوره این دوسالانه در انتخاب آثار مربوط به مدافعان حرم تحت عنوان «جایزه شهید حاج‌حسین همدانی» در ششمین سالگرد شهادت ایشان خبر داد. فارس در این باره توضیح داد که این جایزه در ۱۶ مهر همزمان با ششمین سالگرد شهادت حاج‌حسین همدانی برگزار خواهد شد و گلهلی بابایی، دبیر این دوره است.



در سالروز ولادت کریم آل‌عبا^(ع)، سراغ حجت‌الاسلام و المسلمین شهاب رفتیم تا از ریشه‌های کرامت در سیره عملی امام‌حسن^(ع) برایمان بگوید

امام بخشش پیش از درخواست



پیمان طالبی

ادبیات و هنر

تعریف صحیح کرامت چیست و چرا به امام‌مجتبی‌(ع)، کریم‌اهل‌بیت گفته می‌شود؟

«کرامت» به معنای «دوری از پستی» و «فرومایگی» است، و روح بزرگوار و منزّه از هر پستی را کریم گویند. کرامت در مقابل دنائت، ذلت و خواری است و برای رسیدن به قله بلند کرامت باید به سلاح تقوا و پرهیزکاری مجهز گشت، و تقوا آن است که انسان از هر چه که او را به گناه وا می‌دارد، دوری نماید. حضرت علی (ع) می‌فرمایند: «آن‌کس که تقوا پیشه کند به آنچه دوست دارد جاودانه دسترسی پیدا می‌کند. خدا او را در منزل کرامت خویش مسکن می‌دهد. خانه‌ای که مخصوص خدا است. سقف آن عرش پروردگاری و روشنائی آن از جمال الهی و زائانش فرشتگان، و دوستان و همنشینان پیامبران الهی هستند.»

و اما پاسخ سوال دوم شما: امام‌حسن مجتبی‌(ع) نسبت به دردمندان و تیره‌بختان جامعه بسیار دلسوز بودند و با خرابه‌نشینان دردمند و افشار مستضعف و کم‌درآمد همراه و همنشین می‌شدند و درد دل آنها را با جان و دل می‌شنیدند و به آن ترتیب اثر می‌دادند، و در این حرکت انسان‌دوستانه جز خداوند را مدنظر نداشتند. هیچ فقیر و مسکینی از در خانه حضرت ناامید برنگشت و حتی خود ایشان سراغ فقرای رفته و آنها را به منزل دعوت می‌کردند و به آنها غذا و لباس می‌دادند. امام‌حسن مجتبی‌(ع) تمام توان خویش را در راه انجام امور نیک و خدایسندانه به کار می‌گرفت و اموال فراوانی در راه خدا می‌بخشید. مورخان و دانشمندان در شرح حال زندگی‌شان پر افتخار ایشان، بخشش‌های بی‌سابقه و انفاق‌های بسیار بزرگ و بی‌نظیری ثبت کرده‌اند. آن حضرت در طول عمر خود دو بار تمام اموال و دارایی خود را در راه خدا خرج کردند و سه بار نیز ثروت خود را به دو نیم تقسیم کردند و نصف آن را در راه خدا به فقرا بخشیدند. [تاریخ خلفا / سیوطی]

روایت شده که روزی امام‌حسن(ع) بر جمعی از مساکین گذشت که پاره‌ای چند از نان خشک‌ها را روی زمین گذاشته‌اند و می‌خورند، چون نظر ایشان به آن حضرت افتاد، از امام دعوت کردند و حضرت از اسب پیاده شدند و فرمودند: «خدا متکبران را دوست نمی‌دارد» و با ایشان نشستند و از طعام ایشان تناول کردند سپس از همه مساکین خواستند برای صرف غذا به خانه حضرت بروند و حضرت با غذاهای خوب از ایشان پذیرایی کرده به همه آنها لباس‌های مناسب هدیه دادند. [بحار الانوار

ج ۴۲ ص ۲۱۳)

روایات تاریخی مربوط به بخشش‌های آن حضرت فراوان است. وقتی از امام پرسیدند، چرا هرگز سائلی را ناامید برنمی‌گردانید؟ فرمودند: «من هم سائل درگاه خداوند هستم و می‌خواهم خدا مرا محروم نسازد و شرم دارم با چنین امیدی سائلان را ناامید کنم. خداوندی که عنایتش را به من ارزانی می‌دارد، می‌خواهد من هم به مردم کمک کنم» به خاطر این بخشندگی‌ها و کارهای نیکی که از سوی امام‌حسن مجتبی‌(ع) در مسیر خیر، احسان و کمک به طبقات درمأنده و نیازمند انجام می‌گرفت آن حضرت را کریم‌اهل‌بیت لقب داده‌اند. و با توجه به کرامت‌ها و بخشش‌های کم‌نظیر و گاهی بی‌نظیر آن امام بزرگوار لقب «کریم» برازنده آن حضرت است.

تفاوت صفت کریم با جواد در چیست؟ چون مادر فرهنگ‌مان از نیز به معنای بخشنده می‌شناسیم.

جود در لغت به معنای بخشیدن است. حال بخشیدن با مال یا با علم و کرامت. در لغت کرم به معنای سخاوت، شرافت، نفاست و عزت است و هرگاه این صفت برای انسان به کار رود به معنای اسم برای اخلاق و افعال زیبایی است که از او سر می‌زند. بنابراین کرامت خود یکی از صفات نفسانی است که همه صفات و افعالی را که به نوعی دال بر عزت و بزرگی شخص است در برمی‌گیرد و یکی از آنها بخشش و جود است؛ لذا هر فعل یا قولی که به صورت نیکو صورت گیرد، کرامت نام دارد. مانند قول کریم، رزق کریم، وجه کریم و... بر این اساس بخشش که معنای جواد است از لوازم کرامت است.

در نتیجه کرامت دارای آثار مختلفی از جمله بخشش است اما مرحله‌ای بالاتر از بخشش و به معنای بخششی زیباست و آن است که بدون درخواست دیگری یا در شدت نیاز و قحطی عطا شود آنچنان که شخصی از امام‌حسن مجتبی‌(ع) درباره معنای کرم سوال کرد و حضرت فرمود: «الْإِيتَاءُ بِالْعَطِيَّةِ قَبْلَ الْمَسْأَلَةِ وَإِطْعَامُ الْفَقْرَامِ فِي الْفَحْلِ.....» (تحف العقول ص ۲۲۵) یعنی بخشش پیش از درخواست و غذا دادن در قحطی اما جواد از ماده جود به معنای مطلق بخشش و به تعبیری بخیل نبودن است؛ لذا شخصی از امام‌موسی‌کاظم(ع) درباره معنای جود سوال کرد و امام در پاسخ جود را به دو قسم جود در خداوند و جود در انسان تقسیم کرده و درباره جود در انسان فرمود: «... فَإِنَّ الْجَوَادَ الَّذِي يُوَفِّي مَا افْتَرَضَ... عَلَيْهِ وَالتَّخِلُّلُ مِنْ تَحِلٍّ بِمَا افْتَرَضَ... عَلَيْهِ»

(بحار ج ۱۰) یعنی جواد کسی است که آنچه خداوند بر او واجب کرده پرداخت نماید و بخیل کسی است که از پرداخت آن بخل ورزد.

شیعیان حضرت به تاسی از امام‌مجتبی‌(ع) برای برقراری از صفت کرامت چه باید بکنند؟
اهل بیت عصمت و طهارت که کمالات را از منبع وحی دریافت نموده‌اند، اصول کرم و بزرگواری هستند؛ چنانچه در زیارت جامعه کبیره، خطاب به ایشان علیهم‌السلام عرضه می‌داریم: شما اصول و ریشه کرامت هستید؛ «وَأَصُولُ الْكِرَمِ...» (زیارت جامعه کبیره) «و ریشه‌های کرامت...»

بر این اساس اگر ا دینداری، تقوا، پرهیزکاری و کارهای خوب در جهان هستی اثری دیده می‌شود به یمن و برکت و جود پیشوایان ماست و کرامات و بزرگواری‌ها از خانه ایشان به دیگران رسیده‌است لذا هر مقدار به این پاک سیرتان (علیهم‌السلام) نزدیک شویم، بهره بیشتری از کرامت ایشان نصیب ما خواهد شد. حقیقتی که در بیان امام‌صادق(ع) نیز این طور آمده‌است: «تَخُنْ أَصْلَ كُلِّ خَيْرٍ وَ مِنْ فُرُوعِنَا كُلِّ بَرٍّ» (کافی ج ۱/ص ۵۵۳) یعنی؛ ما ریشه هر خوبی هستیم و هر نیکی از شاخه‌های ماست.

افتخاری که موجب شد، سیدالشهدا(ع) در روز عاشورا بر آن تاکید ورزد و به لشکریان یزید یادآوری کند دارای چه ریشه مستحکم و بنیان مرصوصی است:

«أَلَا إِنَّ اللَّهَ بِنِ الْوَعْدِ قَدْ رَكَّزَ بَيْنَ اثْنَيْنِ بَيْنَ النَّبَلَةِ وَالْذَلَّةِ وَبِهِمَا تَمَثَّلَا الْإِلَهَةُ بَأَنِي... لَنَا ذَلِكُ وَرَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ حُجُوجُ طَابَتْ وَ ظُهُرَتْ وَ أُثُوفُ خَمِيَّةٌ وَ نُفُوشُ آيِيَّةٌ مِنْ أَنَّ نُؤَيَّرُ طَاعَةَ الْإِيَّامِ عَلَى قِصَارِعِ الْكِرَامِ (بحار ج ۷/ص ۱۶۲) یعنی: آگاه باشید که فرومایه، فرزند فرومایه، مرا بین درواهی شمشیر و ذلت قرار داده‌است و بهیات که ما زیر بار ذلت برویم؛ زیرا خدا و پیامبرش و مؤمنان از این که ما ذلت را قبول نماییم، دریغ دارند. دامن‌های پاک مادران و مغزهای با غیرت و نفوس با شرافت پدران، روانی‌دارند که اطاعت افراد لئیم و پست را بر قتلگاه کریمان و نیک‌منشان مقدم بداریم.

حضرت امیرالمؤمنین(ع) نیز در عباراتی کوتاه، اما زیبا و حکیمانه، به مثابه روان‌شناسی ماهر و زنده ویژگی‌های سه قبیله قریش را از نظر روحی و جسمی، بیان می‌کند که در این میان بنی‌هاشم سرآمد ایشان است: «أَمَّا بَنُو مَرْخُومٍ فَرِيحَانَةٌ قَرِيشٌ، نُحْبِطُ حَدِيثَ رَجَالِهِمْ، وَالْحَاكِجُ فِي نِسَابِهِمْ، وَأَمَّا بَنُو عَبْدِ شَمْسٍ فَأَتْعَدُّهَا رَأْيًا، وَأَتَمَعُّهَا لِمَا وَرَاءَ ظُهُورِهَا. وَأَمَّا نَحْنُ فَأَبْدَلُ لِمَا فَيَ أُبْدِيْنَا، وَأَسْفِخُ عِنْدَ الْمَوْتِ بِنُفُوسِنَا، وَهُمْ أَكْثَرُ وَأَمَكْرُ وَأَنْكَرُ، وَنَحْنُ أَفْضَحُ وَأَتَمَحُّ وَأَصْنَحُ» (نهج البلاغه ج ۱۰)

«ما بنی مَرْخُومَ: گل‌های قبیله قریش هستند که ما دوست داریم با مردان‌شان همسخن شویم و با زنان‌شان ازدواج کنیم. و اما طایفه بنی عبد شمس؛ که از همه بداندن‌تر و بیخبل‌ترند. و اما ما [طایفه بنی‌هاشم] از همه آنها به آنچه در دست داریم، بخشندتر و هنگام بذل جان از همه سخاوتمندتر؛ جمعیت آنها بیشتر و

مکرشان فروتر و ما فصیح‌تر و دلسوتر و زیباتریم».
واقعیتی که دشمنان عود و سرسخت اهل‌بیت علیهم‌السلام نیز به آن اعتراف و بیان کرده‌اندکه این بزرگواران در بذل و بخشش، خیرخواهی و نصیحت، فصاحت و بلاغت بر همگان برتری دارند؛ و اگر سخن از شرافت و بزرگواری به میان آید، نام بنی‌هاشم در ذهن مردمان پرتو می‌افکند؛ چنانچه نقل شده‌است:

«روزی عثمان در آستانه مسجد نشستۀ بود که مرد فقیری نزدش آمد و از او کمک خواست. عثمان دستور داد پنج درهم به او بخشیدند. فقیر گفت: این مبلغ برایم کافی نیست؛ مرا به کسی راهنمایی کن که پول بیشتری به من دهد. عثمان گفت: نزد آن جوانان که می‌بینی برو؛ با دستش به گوشه‌ای از مسجد اشاره کرد که حضرت امام‌حسن و امام‌حسین (علیهم‌السلام) و عبدا... بن جعفر در آنجا نشسته بودند. مرد فقیر نزد ایشان رفت، سلام داد و اظهار حاجت کرد. امام‌حسن(ع) پیش از آن‌که به او کمک کنند و به خاطر این‌که از رحمت اسلام استفاده نایجایی صورت نگیرد، فرمودند: ای مرد، درخواست کمک مالی از دیگران فقط در سه مورد جایز است؛ اگر شخص دیه‌ای بر ذمه دارد و از پرداخت آن عاجز است؛ یا بدهی کمرشکنی که از پرداخت آن ناتوان است یا مسکین و درمأنده‌است و دستش به جایی نمی‌رسد. کدام یک از این سه مورد برای تو پیش آمده‌است؟ فقیر گفت: اتفاقا گرفتاری من در یکی از این سه مورد است. امام‌حسن(ع)، ۵۰ دینار و امام‌حسین(ع) ۴۹ دینار و عبدا... بن جعفر، ۴۸ دینار به او دادند. مرد فقیر برگشت و هنگامی که از کنار عثمان می‌گذشت، خلیفه‌سوم از او پرسید، چه کردی؟ فقیر ماجرا را برای عثمان تعریف کرد. عثمان گفت: «وَمَنْ لَكَ بِمَثَلِ هَؤُلَاءِ الْفَتِيَّةِ أَوْلَيْكَ فَظَهَّوْا الْعِلْمَ ظَهْمًا وَحَازُوا الْخَيْرَ وَالْحِكْمَةَ» هرگز نظیر این جوانان را نخواهی یافت؛ آنان کانون دانش و حکمت و سرچشمه کرامت و فضیلت هستند. [بحار ج ۴/ص ۳۳۳]

این ماه، ماه مولا علی(ع) است. چه شاخصه‌هایی در کلام امیرالمومنین(ع) برای الگوهای کرامت وجود دارد؟

مولا می‌فرمایند: «الکریم یلین إذا اشغطط، و اللئیم یفشو إذا أطف»؛ یعنی؛ شخص بزرگوار هرگاه به او محبت و مهرانی شود، نرم می‌شود و انسان فرومایه هرگاه با او نرمی و ملاطفت شود، سخت می‌گردد.

در حدیث دیگر آمده: «الکریم یشکر القلیل و اللئیم یکفر الخزل» کریم، از اندک احسان تشکر می‌کند و فرومایه از بسیار هم ناسپاسی می‌کند.

و همچنین: «الکریم یری مکارم أفعاله دینا غلیه یقضیه» بزرگوار، نیکوکاری‌های خود را دینی بر گردن خود می‌داند که باید بپردازد.

«التَّصِيحَةُ مِنْ اخْلَاقِ الْكِرَامِ» خلوص و یکرنگی، از اخلاق بزرگواران است. «المَبَادَرَةُ إِلَى الْعِلْمِ مِنْ اخْلَاقِ الْكِرَامِ، المَبَادَرَةُ إِلَى الانْتِقَامِ مِنْ اخْلَاقِ اللَّئَامِ» سرعت در عفو، از اخلاق مردان بزرگوار است و شتاب در انتقام گرفتن، از اخلاق فرومایگان.

و بسیاری احادیث و روایات دیگر که از امیرالمومنین(ع) درباره ویژگی‌های کریم نقل شده‌است. حضرت علی‌بن‌الحسین، زین‌العابدین(ع) نیز تفاوت بین دو واژه کریم و لئیم را این گونه بیان کرده‌است:

«الکریم ینتہج یفضله و اللئیم ینتخز یملکه» شخص بزرگوار از فضل خود شادمان می‌شود و آدم پست به ملک و دارایی خویش می‌نازد. **✚**

رسالتی عظیم

بر دوش شاعران

بجمع کرده حُسن خلق و حُسن ظن جمله افعال چون نامش حسن

(عطار نیشابوری)

با مراجعه به آثار خلق شده در ادبیات فارسی پیرامون شخصیت و ابعاد مختلف زندگی امام حسن مجتبی‌(ع)، در همار نگاه اول می‌توان دریافت که کمتر به بعد زندگی سیاسی آن حضرت پرداخته شد.

در این میان، واقعه صلح آن امام راستین از همه مهم‌تر مانده است. گویا شاعران و نویسندگان شیعی از یاد برده‌اند که تعمیم صلح و آشتی در میان انسان‌ها خود رسالتی عظیم است و اهل قلم را غفلت از آن نابخشودنی. شاید خوانش و مرور دوباره این حدیث از ابن‌عباس در ابتدای ایبر نوشتار کوتاه، مسیر روشنی پیش پای ما قرار دهد. آنجا که نقل می‌کند پیامبر عظیم‌الشان در فضیلت نورچشم خود حسن می‌علی فرمودند: «راستی که این پسر من بزرگوار و اقااست و امید می‌رود که خدا با او میان دو گروه بزرگ از مسلمانان آشتی دهد.»

در سال‌های اخیر، هرزگاهی از واقعه صلح امام‌حسن(ع) د ادبیات سیاسی کشور به عنوان یک کلیدواژه استفاده می‌شود. واقعۀ‌ای که اگر در ادبیات شیعی این قدر مغفول نمی‌ماند شاید در قامت یک مفهوم راهبردی در دوران ما بروز و ظهور داشت. بانگاهی گذرا به آثار منظوم به‌جامانده و صد افسوس پراکنده پیرامون شخصیت و سیره آن امام همام، از پیشینیان همچون سنایی غزنوی، عطار نیشابوری، خواجوی کرمانی وصال شیرازی تا عصر حاضر، آشکارا کم‌کاری‌ها زبان به گلایه می‌کشایند. در شعری هم اگر جستجوگر ریخته به موضوع مورد بحث ما اشاره داشته‌اند نگاه مستقلى نبوده و آن را به واقعه

کر بلا پیوند داده‌اند. شاهد مثال هم این سروده مرحوم حسیر منزوی: «صلح تو خود مقدمه جنگ کربلاست».

دور از انتظار نیست که پرداختن به این برهه از زندگی حضرت می‌تواند به پیدایش ژانر ادبیات صلح شیعی منجر شود. صداالت صلحی که بنا به فرمایش کلام علی(ع) موجب وهن نباشد نتیجه فقر ادبیاتی در خصوص این موضوع سیب شده‌است این واقعه جریان‌ساز در تاریخ اسلام بیشتر از زاویه نگاه ادبیان لیبرالیستی و مارکسیستی مورد تحلیل و تبیین قرار بگیرد. حال چه باید کرد؟ برگزاری نشست‌های تخصصی، شب‌های شعر و جشنواره‌های ادبی می‌تواند به تولید، گردآوری سامان‌دهی آثار موضوعی این واقعه‌ستrg کمک شایان نماید. امید است با همت مسؤولان فرهنگی و اهالی قلم همین امروز گام‌های استواری برداشته شود.

